



# دانشگاه مجازی المصطفی

معاونت پژوهشی و تولید



## گزارش نشست علمی پژوهشی

عنوان نشست	بررسی واقع‌گرایی اجتماعی در داستان‌های کوتاه جلال آل احمد و یوسف ادریس
موضوع نشست	ادبیات داستانی
سخنران	دکتر نجم‌عاطفه خدایی (درس زبان و ادبیات فارسی دانشکده قم)
زبان ارائه	فارسی
زمان برگزاری	۳۰ مرداد ۱۴۰۱
مکان برگزاری	استودیو
تعداد شرکت‌کنندگان	<u>۸۲ نفر آنلاین</u>
لینک دسترسی به محتوای نشست	<a href="https://live.mou.ir/pl4eakmfk7db/">https://live.mou.ir/pl4eakmfk7db/</a>





## متن نشست

بسم الله الرحمن الرحيم

بررسی واقع‌گرایی اجتماعی در داستان‌های کوتاه جلال‌آل احمد و یوسف ادیس

این نشست علمی در تاریخ ۳۰ مرداد ۱۴۰۱ به همت معاونت پژوهش دانشگاه مجازی و گروه زبان و ادبیات فارسی برگزار گردید.

در زیر گزارشی از اهم موضوعات ارائه شده در این نشست علمی که بسیار کاربردی بود و مورد استقبال مخاطبان قرار گرفت، ارائه می‌گردد:

استاد محترم در ابتدا محورهای نشست را بیان کردند که شامل ۵ محور کلان می‌گردد که اول ادبیات تطبیقی و انواع آن و محور دوم تعریف داستان کوتاه پرداخته می‌شود و در محور سوم به تعریف رئالیسم یا واقع‌گرایی و انواع آن پرداخته میشود و در محور بعدی به معرفی دو داستان کوتاه نویس ایرانی و مصری پرداخته می‌شود و در محور پایانی به بررسی مقایسه‌ای آثار این دو شخصیت بزرگوار اشاره می‌گردد.

استاد محترم به تعریف ادبیات تطبیقی پرداختند که نوعی پژوهش بین رشته‌ای است که به مطالعه رابطه ادبیات ملت‌های مختلف با هم و بررسی رابطه ادبیات با هنرها و علوم انسانی می‌پردازد.

مکتب تطبیقی فرانسه: ادبیات تطبیقی تاریخ روابط ادبی بین‌المللی است. پژوهشگر این ادبیات مانند کسی است که در سرحد قلمرو زبان ملی به کمین می‌نشیند تا تمام داد و ستدهای فکری و فرهنگی میان دو یا چند ملت را ثبت و بررسی کند.

مکتب تطبیقی آمریکا: ادبیات تطبیقی یعنی مقایسه ادبیات یک کشور با ادبیات یک یا چند کشور دیگر. نیز مقایسه ادبیات با دیگر حوزه‌های دانش بشری

ایشان در ادامه به تعریف رئالیسم یا واقع‌گرایی پرداختند با این توضیح که واقع‌گرایی به تمام آثاری اطلاق می‌شود که از سطح ظواهر عینی فراتر رفته و به بیان حقایقی درباره جامعه و روابط آدم‌های آن می‌پردازد.

این مکتب عکس‌العملی بود در مقابل مکتب رمانتیک.

**رمانتیک**، مکتبی درون‌گرا و ذهنی بود که برای فرار از واقعیت اکنون، به دنیای گذشته پناه می‌برد که البته این دنیای ساختگی غالباً مبنای واقعی نداشت؛ اما رئالیسم، مکتبی عینی و بیرونی بود که بر بیان واقعی تهای جامعه تأکید بسیار داشت و معتقد بود که آثار متکلفانه و دیرفهم مکتبهای رمانتیسیسم و کلاسیسیسم راه به جایی نمی‌برد و برای نشان دادن تصویر درستی از جامعه باید زبانی بی‌پیرایه و ساده را برگزید.

رئالیست‌ها می‌کوشیدند زندگی را آنطور که عملاً واقع‌هست نشان دهند. هرچند زشت و ناپسند باشد.





از مشخصه های مکتب رئالیسم یا واقع گرایی می توان به

۱. شفافیت روایی در برابر فصاحت بلاغی
  ۲. کارکرد ارجاعی در برابر کارکرد مجازی
  ۳. زبان متعین در برابر ربان انتزاعی
  ۴. زبان محاوره ای در برابر زبان رسمی
- اشاره کرد.

استاد محترم در ادامه به تعریف داستان کوتاه پرداختند که تعریف داستان کوتاه، روایت به نسبت کوتاه خلاقانه ای است که نوعا سروکارش با گروهی محدود از شخصیت هاست که در عمل منفردی شرکت دارند و غالبا با مددگرفتن از وحدت تاثیر، بیشتر بر آفرینش حال وهوا تمرکز می یابد تا داستان گویی ایشان با نگاهی گذرا به رئالیسم در داستان کوتاه ایران میتوان به نمونه ه ای اشاره کرد از جمله جمالزاده؛ اولین نویسنده داستان کوتاه در ایران هدایت؛ بارآورنده مکتب رئالیسم در قصه نویسی ایران جلال آل احمد نیز یکی از داستان نویسان پیشرو ایران است که شاخصه های مکتب رئالیسم در داستان های کوتاهش به خوبی نمایان است. بیشتر منتقدین، آثار جلال را به سبک رئالیسم سوسیالیستی میدانند؛ اما در واقع او نویسنده های متعدداست که از هنر برای اصلاح جامعه بهره می برد در بعضی مجموعه ها، رئالیسم آل احمد، رئالیسم انتقادی است.

اگر نگاهی گذرا به رئالیسم در داستان کوتاه مصر داشته باشیم خلاصه آن این است که داستان کوتاه در مصر از اوایل قرن بیستم پایه عرصه وجود گذاشت. آغازگران داستان کوتاه در مصر: محمود و محمد تیمور، محمود طاهر لاشین، یحیی حقی، محمد البدوی، یوسف ادریس و افراد دیگری آغاز مسأله فلسطین و درگیری اعراب، موجب گرایش های واقع گرایانه در ادبیات داستانی عرب است. یوسف ادریس نیز یکی از داستا نویسان مصری است که رویکرد رئالیستی او در داستان کوتاه باعث اعتلای این نوع از داستان در مصر شده است. در آثار یوسف ادریس به نوعی رئالیسم انتقادی از نوع ماکسیم گورکی وجود دارد.

دکتر خانم خدایی در ادامه نشست به بررسی مقایسه ای دو اثر "زن زیادی" از جلال آل احمد و "لغه الای آی" از یوسف ادریس پرداختند که

مجموعه داستان زن زیادی ۱۳۳۱ نگاشته شده و در مجموع ۹ داستان کوتاه در خود دارد.

داستا نهی این مجموعه بیشتر به مقوله زنان و مشکلاتشان در جامعه ایرانی مربوط است.

خلاصه داستان سمنوپزان:

این داستان که در محیط یک خانه اتفاق می افتد، روز سمنوپختن نذری را در این خانه به تصویر میکشد.

نذری که هر ساله انجام میشود اما امسال نیت زن





صاحبخانه) مریم خانم (به مشکل فعلی وی؛ بارداری هوو و دختر دم بخت او باز میگردد. خلاصه داستان زن زیادی:

این داستان تک گویی درونی زنی سی و چهارساله است که دو روز است توسط همسرش به خانه پدر بازفرستاده شده، در حال یکه فقط چهل روز از زندگی مشترک آنها میگذرد. داستان زن زیادی، توصیفی دقیق از زندگی زنی رانده شده از جامعه، درون و بیرون شخصیت اصلی داستان نوعروسی مقهور و مطلقه است که به دلیل زشت رو بودن و مهمتر از آن کلاه گیس داشتن سرچهل روز نشده به خانه پدری برگشته و بسیار هم نگران است و این واقعه برایش غیرقابل تحمل است.

مجموعه داستان لغه الای آی در سال ۱۹۶۰ میلادی به رشته تحریر درآمده و از موفق ترین آثار یوسف ادريس محسوب میشود. در این مجموعه ۱۲ داستان کوتاه وجود دارد و داستا نها از حیث محتوا متنوع هستند. نام مجموعه که معنایی خاص نیز ندارد از یکی از داستان ها گرفته شده است. در این داستان ها، نگاه ادريس به مسائل عمیق تر شده و در حقیقت سعی در برگشودن عمق واقعیات را دارد.

خانم دکتر بعد مقایسه ای که بین برخی از آثار این دو نویسنده انجام داد به نتیجه گیری پرداختند که جلال آل احمد و یوسف ادريس از نظر زمانی تقریباً در یک دوره زیسته اند و در کشورهایی با فرهنگ های مشابه زندگی کرده اند. این مسئله بسیاری از شباهت های نوشتاری و باورهای مشترک ایشان را توجیه می کند. ادريس و جلال نیز هر دو تحت تاثیر شرایط حاکم بر جامعه هستند. فقر، نابسامانی اجتماعی و مشکلات فرهنگی جامعه هر دو نویسنده را آزار م ی دهد و در آثارشان به خوبی منعکس شده است.

از میان این داستان های بررسی شده، هر دو داستان جلال و یکی از داستا نهای یوسف، درباره زن است. به عبارتی بهتر شخصیت اصلی داستان ها، از جنس زن، انتخاب شده است. البته قصد جلال، بیان معضلات و مشکلات جنس زن در جامعه و عمق نفوذ خرافات و باورهای عامیانه در این قشر است. اما یوسف به دلیل حساسیت و عاطفی بودن زن، قهرمان اصلی را از این جنس برمی گزیند.

ایشان به شاخص های واقع گرایی در آثار بررسی شده را در ادامه نشست توضیح دادند که اهم آنها این است که شخصیت های داستانهای بررسی شده از هر دو نویسنده با تعریف رئالیسم از شخصیت پردازی هماهنگی دارد و در همه داستان های بررسی شده، از عنصر مکان به خوبی استفاده شده است. یکی دیگر از نکاتی که می توان مورد بررسی قرار داد، زاویه دید در این داستان هاست. هر دو داستان جلال زاویه

دید اول شخص دارند که در یکی (زن زیادی) راوی همان شخصیت اصلی است. اما در دو داستان ادريس، زاویه دید ادريس، اغلب راوی را به صورت سوم شخص و خارج از فضای داستان انتخاب می کند. « سوم شخص است و نکته بعدی این که در هر دو داستان جلال، غالب جملات به صورت دیالوگ است و به همین واسطه غلبه زبان محاوره ای را بر زبان رسمی مشاهده می کنیم که از مختصات نثر رئالیستی است..





دیالوگ‌ها در داستان‌های ادريس نیز با زبان محاوره نوشته شده اند با اين تفاوت که تعداد دیالوگ‌ها در این دو داستان بسیار اندک است و به طور کلی نثر ادريس در این دو داستان، متمایل به زبان فصیح است. زبان داستان در هر دو داستان ساده و آسان است. جلال، عامیانه می نویسد تا زبان شخصیت هایش را که مردم متوسط و ضعیف جامعه هستند، نشان دهد. ادريس نیز در بسیاری از آثارش بر خلاف رسم معمول نثر عربی، زبان محاوره و شکسته را در داستان هایش بکار می برد. بخش اعظم نثر آل احمد را لغات و تعابیر عامیانه در برمی گیرد که در آثار ادريس به این وسعت نیست. لغت ادريس در قصه های کوتاهش بویژه لغه آلائی ای، جمع بین لغت فصیح و عامیانه عرب و ایجاد لغت جدید است.

استاد محترم در پایان نشست بعد از ارائه جمع بندی از نشست به سوالات مخاطبین آنلاین پاسخ های لازم را ارائه کردند.







# مستندات نشست

دانشگاه مجازی المصطفی

نشست علمی پژوهشی

## بررسی واقع گرایه اجتماعیه

### در داستان های کوتاه جلال آل احمد و یوسف ادریس

\* معرفی ادبیات تطبیقی و انواع آن

\* تعریف داستان کوتاه و معرفی دو داستان کوتاه نویس ایرانی و مصری؛ (جلال آل احمد و یوسف ادریس)

\* ارائه تعریفی از ریالیسم یا واقع گرایی و معرفی انواع آن به ویژه واقع گرایی اجتماعی

\* بررسی تطبیقی آثار جلال آل احمد و یوسف ادریس از منظر واقع گرایی اجتماعی

**دکتر عاطفه خدایه**  
مدرس زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه قم

**همراه با اعطای گواهی**

**یکشنبه ۳۰ مرداد ماه ۱۴۰۱**

**ساعت ۱۰**

دانشگاه مجازی المصطفی

معاونت پژوهشی و تولید

دانشگاه مجازی المصطفی

www.mou.ir

۰۲۵-۳۲۱۱۴۱۷۸-۱۷۹

[live.mou.ir/research](http://live.mou.ir/research)

لینک - شرکت در کارگاه

khanum khodaei: 30mordad 1401 - Adobe Connect

khodaii-powerpoint.pdf

### بررسی مقایسه‌ای دو اثر «زن زیادی» از آل احمد و «لغه الای آی» از یوسف ادریس

مجموعه داستان «زن زیادی» در سال ۱۳۳۱ نگاشته شده و در مجموع ۹ داستان کوتاه در خود دارد.

داستان‌های این مجموعه بیشتر به مقوله زنان و مشکلاتشان در جامعه ایرانی مربوط است.

**خلاصه داستان سمبولیک:**  
این داستان که در محیط یک خانه اتفاق می‌افتد، روز سمبولیک نذری را در این خانه به تصویر می‌کشد. نذری که هر ساله انجام می‌شود اما اسامی نیت زن صاحب‌خانه (مریم خانم) به مشکل فعلی وی، بارداری هوو و دختر دم بخت او بازمی‌گردد.

**خلاصه داستان زن زیادی:**  
این داستان تک گوئی درونی زنی سی و چهارساله است که دو روز است توسط همسرش به خانه پدر بافرستاده شده، در حالی که فقط چهل روز از زندگی مشترک آن‌ها می‌گذرد. داستان زن زیادی، توصیفی دقیق از زندگی زنی رانده شده از جامعه، درون و بیرون شخصیت اصلی داستان نوجوانی مهور و مطلقه است که به دلیل زشت رو بودن و مهمتر از آن کلاه گیس داشتن سرچهل روز نشده به خانه پدری برگشته و بسیار هم نگران است و این واقعه برایش غریب‌نحوه تحمل است.

### بررسی مقایسه‌ای دو اثر «زن زیادی» از آل احمد و «لغه الای آی» از یوسف ادریس

Video (1)

pajohesh Department 2

Chat (Everyone)

pajohesh Department: در ادامه متن است لطفاً جهت ثبت نام اقدام نمایید

سلام و احترام تیم باورس

خدا قوت استاد بزرگ و معلمه شریفه

با سلام به شما عزیزان

سلام بنده حسن عباس

سلام به همه kazimzaki

Mehran Ebrahimi

سنداقه عدد ۲۲۴ برقرارش من قلمی‌انور

عناذرت: بی‌عین ابراهیم

ارکوب: نسل برقرارش من قلمی‌انور

بله بی‌عین ابراهیم

سپاس برقرارش من قلمی‌انور

بانشاد و احترام فراوان Ali Karimi

ریسبج: علی Karimi

می‌باید حال برقرارش من قلمی‌انور

و بدت کامیون: برقرارش من قلمی‌انور

۱. معنون: یوسف

با عرض سلام به طرفین متقابلین

Attendees (66)

pajohesh Department 2

Hosts (2)

pajohesh Departm...

pajohesh Departm...

Presenters (0)

Participants (64)

11238

11308

11417 ...

11426 ...

11647 ...

11864

11878 ...

11880 2

11955 ...

12054 Ahmad Islami

12249 ...

12366

12825





khodaii-powerpoint.pdf

خلاصه داستان الزوار:

داستان درباره زنی به نام سکیه است که در طول سه ماه بستری بودن در بیمارستان ملاقات‌کننده‌ای نداشته است. این مسئله در ابتدا بی‌اهمیت است، اما بعدها روح او را به شدت درگیر می‌کند. در تخت کناری سکیه، زنی به نام مصمص بستری است که به واسطه اهمیت اجتماعی و گستردگی بستگان، ملاقات کننده بسیار دارد. سکیه کم کم به ملاقات کنندگان مصمص توجه می‌کند تا حدی که بیش از خود او با آن‌ها معاشرت می‌کند. زمانی که سکیه تمام توجه ملاقات کنندگان مصمص را به خود جلب می‌کند، مصمص بسیار هیجان‌زده و عصبانی می‌شود. او تصمیم به مقابله با سکیه می‌گیرد. اما ناگهان به خود می‌آید و متوجه تنهایی و غم در چهره سکیه شده، فقط سکوت می‌کند.

خلاصه داستان العبه:

مردی وارد محل برگزاری یک جشن می‌شود. فضا و مکان به حدی برای او غریب است که دچار تعجب و تردید شده، حتی جای نشستن خود را نمی‌داند. در اوج سردرگمی، فردی با لبخند و با جبهه‌ای در دست به او نزدیک می‌شود و این جمله را می‌گوید: «هی می‌زنی؟» و هفت تیر را به او نشان می‌دهد. (در جعبه تیرهای مخصوص بازی با هفت تیر است.) مرد تصمیم به بازی گرفته، هزینه را می‌پردازد (مرد توجیهی خاص به یک تیر مخصوص بازی در جعبه دارد). مرد خندان همچنان به او نگاه می‌کند. ناگهان مرد احساس می‌کند، مرد خندان قصد فریب و خوردن پول او را داشته است. پس با عصبانیت شروع به کتک زدن مرد خندان می‌کند تا جایی که از زدن خسته می‌شود. بعد مرد همچنان با خنده می‌گوید: «من فقط گفتم می‌زنی؟» مرد ناگهان متوجه می‌شود همه چیز حتی سایرین، جزئی از بازی هستند و در حالی که او می‌خواسته تیر بزند، مرد خندان را زده است. در انتها مرد همچنان خنده فریب آمیز بر لبان دارد.

نتیجه‌گیری

1:16:06/1:38:36

khodaii-powerpoint.pdf

حتی جای نشستن خود را نمی‌داند. در اوج سردرگمی، فردی با لبخند و با جبهه‌ای در دست به او نزدیک می‌شود و این جمله را می‌گوید: «هی می‌زنی؟» و هفت تیر را به او نشان می‌دهد. (در جعبه تیرهای مخصوص بازی با هفت تیر است.) مرد تصمیم به بازی گرفته، هزینه را می‌پردازد (مرد توجیهی خاص به یک تیر مخصوص بازی در جعبه دارد). مرد خندان همچنان به او نگاه می‌کند. ناگهان مرد احساس می‌کند، مرد خندان قصد فریب و خوردن پول او را داشته است. پس با عصبانیت شروع به کتک زدن مرد خندان می‌کند تا جایی که از زدن خسته می‌شود. بعد مرد همچنان با خنده می‌گوید: «من فقط گفتم می‌زنی؟» مرد ناگهان متوجه می‌شود همه چیز حتی سایرین، جزئی از بازی هستند و در حالی که او می‌خواسته تیر بزند، مرد خندان را زده است. در انتها مرد همچنان خنده فریب آمیز بر لبان دارد.

نتیجه‌گیری

جلال آل احمد و یوسف ادریس از نظر زمانی تقریباً در یک دوره زیسته‌اند و در کشورهای با فرهنگ‌های مشابه زندگی کرده‌اند. این مسئله بسیاری از شباهت‌های نوشتاری و باورهای مشترک ایشان را توجیه می‌کند.

ادریس و جلال نیز هر دو تحت تأثیر شرایط حاکم بر جامعه هستند. فقر، ناپایداری اجتماعی و مشکلات فرهنگی جامعه هر دو نویسنده را آزار می‌دهد و در آثارشان به خوبی منعکس شده است.

از میان چهار داستان بررسی شده، هر دو داستان جلال و یکی از داستان‌های یوسف، درباره زن است. به عبارتی بهتر شخصیت اصلی داستان‌ها، از جنس زن، انتخاب شده است. البته قصد جلال، بیان معضلات و مشکلات جنس زن در جامعه و عمق نفوذ خرافات و باورهای عامیانه در این قشر است. اما یوسف به دلیل حساسیت و عاطفی بودن زن، قهرمان اصلی را از این جنس برمی‌گزیند.

1:30:59/1:38:36

